

## برابرت وانوی ، مبانی پیشگویی کتاب مقدس، سخنرانی 21

### آموس

#### آموس

#### شرایط سیاسی و اجتماعی آن زمان ۵.

بیا بید به بحث خود در مورد عاموس برگردیم. شماره ۵ «شرایط سیاسی و اجتماعی آن زمان» است. هم اسرائیل و هم یهودا در حال پیشرفت بودند. اسرائیل از فشار سوریه و آشور رهایی یافت. عاموس در هیچ کجا به صراحت از سوریه صحبت نمی‌کند و هیچ نشانه‌ای از اینکه او به همین دلیل در درس افتاده باشد، وجود ندارد. به ۲۷:۵ نگاه کنید: «بنابراین، من شما را به آن سوی دمشق تبعید خواهم کرد، خداوند که نامش خدای قادر مطلق است می‌گوید. در ۶:۷، «بنابراین شما در میان ما اولین کسانی خواهید بود که به تبعید خواهید رفت و جشن و سرور شما پایان خواهد یافت.» در ۶:۱۴، عبارت جالبی در اینجا آمده است: «خداوند، خدای قادر مطلق، می‌گوید: ای خاندان اسرائیل، من ملت‌ها را علیه شما برمی‌انگیزم تا شما را از لبو حمات تا دره عربیه سرکوب کنند.» آیا این موضوع مهمی است؟ به خصوص «از لبو حمات تا دره عربیه.» به اشاره‌ای که در مورد یونس در دوم پادشاهان آمده است، نگاه کنید. در آنجا آمده است که یربعام «کسی بود که مرزهای اسرائیل را از لبو حمات تا ۱۴:۲۵ دریای عربیه بازسازی کرد، مطابق کلام خداوند، خدای اسرائیل، که از طریق بنده‌اش یونس پسر امینای، پیامبر جت حافر، گفته شده بود.» بنابراین می‌بینید که یونس پیشگویی کرده بود که اسرائیل مرزهای خود را از لبو حمات تا دریای عربیه گسترش خواهد داد. در اینجا عاموس از راه می‌رسد و می‌گوید: «من شما را از لبو حمات تا دره عربیه سرکوب خواهم کرد.» بنابراین عاموس به شناسایی ملت ستمگر به عنوان سوریه نزدیک می‌شود، اگرچه او به صراحت از این کلمه استفاده نمی‌کند.

داخلی رفاه وجود داشت. شما در آیه 3:15 به خانه‌های مجلل ثروتمندان اشاره می‌کنید: «من خانه داخلی - رفاه زمستانی را به همراه خانه تابستانی ویران خواهم کرد. خانه‌ای که با عاج تزئین شده است، ویران خواهد شد و عمارت‌ها ویران خواهند شد.» اکنون کاوش‌هایی در سامره وجود دارد که در آن صدها عاج منبت‌کاری شده یافت شده است. ضیافت‌های تجملی در آیات ۴:۶-۶:۶ شرح داده شده است: «بر تخت‌های منبت‌کاری شده با عاج می‌خوابید و بر تخت‌هایتان لم می‌دهید. بر بره‌های مرغوب و گوساله‌های پروار شام می‌خورید. مانند داوود بر چنگ‌هایتان می‌نوازید و با آلات موسیقی بداهه نوازی می‌کنید. شراب را پی در پی می‌نوشید و از بهترین لوسیون‌ها استفاده می‌کنید، اما بر ویرانی یوسف اندوهگین نمی‌شوید. بنابراین، شما از اولین کسانی خواهید بود که به تبعید می‌روند، ضیافت و خوشگذرانی شما پایان خواهد یافت.» بنابراین، تجمل و ثروت زیادی وجود دارد. اما همانطور که

الیسون اشاره می‌کند، این یک طرف تصویر است. ما به ثروتمندان نگاه می‌کنیم، اما باید به خانه‌های فقرا نگاه کنیم تا ببینیم چگونه زندگی می‌کنند. اگر به آیه ۶:۲ که در آن می‌خوانید نگاه کنید، آن طرف تصویر نمایان می‌شود.» به خاطر سه گناه اسرائیل، حتی چهار گناه، خشم خود را برنخواهم گرداند. آنها پارسایان را به نقره و نیازمندان را به یک جفت صندل می‌فروشد. سر فقرا را مانند خاک زمین پایمال می‌کنند و عدالت را از ستمدیدگان دریغ می‌ورزند.» بنابراین بی‌عدالتی زیادی وجود داشت. عاموس ۴:۸-۶ این مضمون را ادامه می‌دهد: «این را بشنوید، ای کسانی که نیازمندان را پایمال می‌کنید و فقرای زمین را از بین می‌برید، و می‌گویید: 'ماه نو کی تمام می‌شود تا غله بفروشیم و سبت کی تمام می‌شود تا گندم به بازار عرضه کنیم؟' کم کردن از پیمانته و افزایش قیمت‌ها و تقلب با ترازوهای نادرست، خریدن فقرا با نقره و نیازمندان برای یک جفت صندل، و حتی جارو کردن را با گندم می‌فروشید.» بنابراین همانطور که الیسون اشاره می‌کند، نویسندگان علاقه دارند رفاه را توصیف کنند، اما در بیشتر موارد ظاهراً از تمرکز بر عدالت غافل می‌شوند. بنابراین اینها نظراتی در مورد نویسنده و پیشینه کتاب هستند.

ب. «کتاب عاموس و محتوای آن «است یکی» طرح کلی «است». ب. کتاب عاموس و محتوای آن ۱. طرح کلی فکر می‌کنم کتاب به چهار بخش تقسیم می‌شود. اول، «داوری اعلام‌شده بر ملت‌های اطراف» و ما به طور خلاصه به آن نگاه خواهیم کرد. عاموس به ملت‌های اطراف، در نهایت یهودا، هشدار می‌دهد و بر اسرائیل تمرکز می‌کند. این دو فصل اول است. سپس کاری که او در بخش دوم انجام می‌دهد، ارائه داورهای خاص‌تر در مورد اسرائیل و دلایل آن است. این فصل‌های ۳ تا ۶ است. و سپس سوم، بخشی از پنج رؤیا در فصل‌های ۷، ۸ و ۹. بخش آخر وعده برکت آینده است، عاموس ۹:۱۱-۱۵. بنابراین، مطالب به این شکل ارائه می‌شوند. موضوع اصلی «داوری بر اسرائیل به دلیل بی‌عدالتی اجتماعی» است. تأکید بر عدالت اجتماعی و همچنین بر فرمالیسم مذهبی وجود دارد. بنابراین عاموس این بخش را با عدالت خدا در انتهای کتاب با امید بزرگ به وعده احیای آینده تحت شریعت به پایان می‌رساند.

فصل‌های ۱ و ۲ همان بخش اول هستند، «داوری بر ملت‌های اطراف.» در آنجا داوریهایی عاموس ۱-۲. ۲. بر شش ملت اطراف دارید و به دنبال آن یک داوریه نهایی. عاموس از الگوی معمول معرفی هر بخش با عبارت به خاطر سه گناه «پیروی می‌کند و سپس از یک شهر یا ملت خاص نام می‌برد»: «و به خاطر چهار گناه، خشم خود را برنخواهم گرداند.» بنابراین در آیه ۳ متوجه می‌شوید: «به خاطر سه گناه دمشق، حتی به خاطر چهار گناه، خشم خود را برنخواهم گردانید.» سپس آیه ۶: «به خاطر سه گناه غزه، حتی به خاطر چهار گناه، خشم خود را برنخواهم گردانید.» و آیه ۹: «به خاطر سه گناه صور، حتی به خاطر چهار گناه، خشم خود را برنخواهم گردانید.» و این در طول فصل و فصل دوم ادامه می‌یابد: «به خاطر سه گناه «و سپس یک شهر یا ملت خاص»: و

به خاطر چهار گناه، خشم خود را برنخواهم گردانید.» این عبارت به بهترین وجه به عنوان نشان دهنده کمال گناهکاری آنها - برای سه گناه و برای چهار گناه - درک می‌شود.

عاموس همچنین در ترتیب نام ملت‌هایی که درباره آنها صحبت می‌کند، از یک الگو پیروی می‌کند. او از اقوام بیگانه با نام پایتختشان صحبت می‌کند. او از سوریه صحبت می‌کند و آنها را با نام پایتخت دمشق خطاب می‌کند. او در عاموس ۱:۶ با استفاده از پایتخت غزه از فلسطین صحبت می‌کند. و در آیه ۹ بنابراین او ابتدا به ملت‌های خارجی می‌پردازد، سپس در استفاده از پایتخت صور از فینیقیه صحبت می‌کند. آیه ۱۱ به ملت‌های پسرعمو، یعنی ادوم، می‌پردازد. ادوم از نسل عیسو است. عمون در آیه ۱۳؛ عمون با اسرائیل نسبت دارد و عمونیان از دختر بزرگتر لوط هستند. موآب در فصل ۲ آیه ۱؛ موآب از نسل دختر کوچکتر لوط است. بنابراین او ابتدا به سه ملت خارجی نگاه می‌کند و سپس به سه ملت پسرعمو می‌پردازد.

سپس او به خانه نزدیکتر می‌شود. او در آیه ۲:۴ از قوم برادر، می‌توان گفت یهودا، صحبت می‌کند، قبل از اینکه در آیه ۲:۶ بر خود اسرائیل، پادشاهی شمالی، تمرکز کند. بنابراین من فکر می‌کنم این روند، راهی مؤثر برای شنیدن است، به ویژه از کسانی که می‌توانستند شر اسرائیل را ببینند. این پیام عاموس را تقویت می‌کند و بر این موضوع تمرکز می‌کند، حتی در مورد یهودا - جایی که او اظهار نظر می‌کند. گناهان موجود در آنها محدود به سوءاستفاده‌هایی که در اسرائیل وجود دارد، نیست. به طور کلی، او شر را در ذات خود توسط همه ملت‌ها تشخیص می‌دهد و این ملت‌ها با غرامت روبرو خواهند شد، اما نه بدون مسئولیت اخلاقی. داوری برای گناهانی که تشخیص داده می‌شوند، اعلام می‌شود. وسیله داوری مشخص نشده است، اما اگر به تاریخ این اقوام و ملت‌ها نگاه کنید، به نظر می‌رسد که داوری انجام شده است.

عاموس شروع به تمرکز توجه خود به طور درونی بر یهودا می‌کند. متوجه می‌شوید تمرکز عاموس بر یهودا که در آیات ۲:۴ و ۵ می‌گوید: «به خاطر سه گناه یهودا، حتی چهار گناه، خشم خود را برنخواهم گرداند. چون شریعت خداوند را رد کرده‌اند و فرامین او را نگاه نداشته‌اند، زیرا توسط خدایان دروغین، خدایانی که اجدادشان پیروی می‌کردند، گمراه شده‌اند، آتشی بر یهودا خواهم فرستاد که قلعه‌های اورشلیم را خواهد سوزاند.» او به یهودا می‌رسد و یک گزار مهم رخ می‌دهد. به یاد داشته باشید که او با پادشاهی شمالی صحبت می‌کند، اگرچه خودش اهل جنوب است. اگر مستقیماً به اسرائیل روی می‌آورد، ممکن بود به جانبداری متهم شود. شمال از نظر اقتصادی و سیاسی قوی‌تر بود، اما جنوب معبد را داشت. عاموس شریعت خداوند و عدم رعایت فرایض او و پیروی از خدایان دیگر را توصیف می‌کند. این امر در دوم پادشاهان ۲۴-۲۵ در ویرانی اورشلیم در ۵۸۶ قبل از میلاد تحقق یافت. بنابراین داوری بر یهودا در راه است.

در عاموس ۲: ۶-۱۶، «به خاطر سه گناه اسرائیل، حتی چهار گناه، خشم خود را عاموس درباره اسرائیل

برخواهم گرداند. آنها پارسایان را به نقره و نیازمندان را به یک جفت صندل می‌فروشند.» من همه آن را نمی‌خوانم. اما به «همچنین پیامبرانی از میان پسرانت و نذیره‌هایی از میان جوانانت برانگیختم.» سپس آیه ۱۳ و بعد از آن، «اکنون، من شما را خرد خواهم کرد، همانطور که ارباهای که پر از غله است، خرد می‌کند. تیزروها فرار نخواهند کرد، قوی‌ها قدرت خود را جمع نخواهند کرد و جنگجو جان خود را نجات نخواهد داد. کماندار در جای خود نخواهد ایستاد (...آیه ۱۶، «حتی شجاع‌ترین جنگجویان در آن روز برهنه فرار خواهند کرد.» این اوج این دو فصل اول است. او داوری را یکی پس از دیگری بر دشمنان اسرائیل اعلام کرده است، و اکنون نوبت اسرائیل است. اکنون او پیام خود را به سوی اسرائیل هدایت می‌کند که داوری اصلی را دریافت خواهد کرد. آنها پیش از این توسط ملت‌های اطراف به مردم هشدار داده بودند. روزی از تاریکی به جای نور، روزی از داوری

برای رساندن این پیام، عاموس از چیزی استفاده می‌کند که برخی دادخواست عهد الف. اتهام و کیفرخواست آن را «دعوی عهد» می‌نامند. ویژگی‌های این شکل قانونی در اینجا قابل مشاهده است. توجه کنید که چگونه این کار انجام می‌شود. ابتدا یک اتهام یا کیفرخواست دارید که در آیات ۶-۸ آمده است. بخشی از آن را می‌خوانم: صالحان را به نقره می‌فروشند... سر فقرا را پایمال می‌کنند.» آیه ۷: «پدر و پسر از یک دختر استفاده می‌کنند و» نام مقدس مرا بی‌حرمت می‌کنند. در کنار هر قربانگاهی روی لباس‌هایی که گرو گرفته شده‌اند، دراز می‌کشند. در خانه خدای خود شرابی را که به عنوان جریمه گرفته شده است، می‌نوشند.» این کیفرخواست شامل تخلفات اجتماعی، اخلاقی و مذهبی است - ظلم به فقرا در آیات ۶ و ۷ و ارتداد اخلاقی و مذهبی در آیه ۸. این موارد شامل فحشای مقدس بود که آنها فکر می‌کردند به طور جادویی باعث باروری زمین می‌شود. به اسرائیل هشدار داده شد که در آن دخیل نباشد. در اینجا خداوند مانند بعل‌های معمولی پرستش می‌شود. این عمل نقض فاحش عهد بود. آنچه اوضاع را بدتر می‌کرد، این بود که با چیزهایی که از طریق ظلم به فقرا به دست آمده بود، انجام می‌شد.» آنها در کنار هر قربانگاهی بر روی لباس‌های گرو گرفته شده می‌خوابند.» آنها دین را به قیمت فقرا انجام می‌دادند. بنابراین این کیفرخواست دعوی عهد است.

دوم، شرح اعمال مهربانانه‌ی حاکم در آیات ۹-۱۱ است. آیات ۹- ب. اعمال مهربانانه‌ی حاکم در آیات ۹-۱۱ می‌گویند: «خداوند می‌گوید: من اموریان را پیش روی ایشان نابود کردم، اگرچه آنها مانند سروها بلند و مانند ۱۱ بلوط‌ها قوی بودند. میوه‌هایشان را در بالا و ریشه‌هایشان را در پایین از بین بردم. شما را از مصر بیرون آوردم و چهل سال در بیابان هدایتتان کردم تا سرزمین اموریان را به شما بدهم. همچنین از میان پسرانتان پیامبرانی برانگیختم.» آیا این درست نیست؟ من همه این کارها را انجام داده‌ام. من وفادار بوده‌ام. من مهربان بوده‌ام. بنابراین شرحی از اعمال مهربانانه‌ی خداوند. خدا پیوسته به عهد خود وفا کرده بود.

سومین عنصر دعوی پیمان، رد هشدار پیمان نبوی است. این در آیه ۱۲ یافت می‌شود. ج. رد هشدار پیمان نبوی اما شما نذیره‌ها را شراب نوشانیدید و به انبیا دستور دادید که نبوت نکنند «پیامبر مردم را به بازگشت به پیمان،» وفاداری و توبه فرا می‌خواند، اما هر دو رد شدند.

این به مورد چهارم، جمله‌ای در آیات ۱۳ تا ۱۶، منتهی می‌شود. من قبلاً آن را خوانده‌ام. به صورت کلی بیان شده است. هیچ پیش‌بینی خاصی وجود ندارد، اما داوری ذکر شده است. بنابراین، این اوج بخش اول کتاب است که در آن عاموس از ملت‌های بیگانه به ملت‌های پسر عمو، به ملت برادر یهودا و در نهایت به اسرائیل روی می‌آورد.

### عاموس ۳-۶ اعلام داوری ۳.

بیابید به بخش دوم، فصل ۳-۶ برویم، جایی که اعلامیه‌های داوری خاص‌تری وجود دارد. این بخش شامل سه گفتار است که هر کدام با این عبارت شروع می‌شوند: «این کلام خداوند را بشنوید.» متوجه می‌شوید که در آمده است: «این کلام خداوند را علیه شما بشنوید، ای قوم اسرائیل.» در ۴:۱ آمده است: «ای گاوان باشان در ۳:۱ کوه سامره، ای زنانی که بر فقرا ظلم می‌کنید و نیازمندان را سرکوب می‌کنید، این کلام را بشنوید.» و ۵:۱ آمده است: «ای خاندان اسرائیل، این کلام را بشنوید، این مرثیه‌ای که برای شما می‌خوانم.» اینها سه مقدمه کلیشه‌ای از این بخش‌ها هستند.

می‌خواهم به طور خاص به فصل ۳ نگاه کنم. فصل ۱:۳-۲ می‌گوید: «این کلام خداوند را الف. عاموس ۳ علیه شما بشنوید، ای قوم اسرائیل - علیه تمام خانواده‌ای که از مصر بیرون آوردم! شما تنها از میان تمام قبایل زمین برگزیده شده‌اید. بنابراین شما را به خاطر تمام گناهانتان مجازات خواهم کرد.» من فکر می‌کنم این آیه [عهد] یافت نمی‌شود. در *berit* خلاصه‌ای از اصل پیام است. ایده عهد در اینجا محوریت دارد، اگرچه اصطلاح فصل ۶، «بنابراین تو را مجازات خواهم کرد»، که از یک رویکرد سنتی دیرینه به ایده‌های عهد گرفته شده است، [عهد] استفاده می‌کردند، پیدا می‌کنید و نتیجه را بر آن اساس *berit* جایی که شما تمام پیامبرانی را که از کلمه [عهد] به طور گسترده توسط پیامبران استفاده نمی‌شود، د. هیلرز به طور *berit* ارزیابی می‌کنید. از آنجا که کلمه نامناسب نتیجه می‌گیرد که عهد جایگاه بسیار مهمی در دنیای مفهومی پیامبران نداشته است. اما آنچه هیلرز پیشنهاد می‌کند و توجه را به این واقعیت جلب می‌کند که در دوران اخیر، تلاش‌های زیادی در سه حوزه کاری در رابطه با عهد و پیامبران وجود دارد. اول، اصطلاحات عهد. به عبارت دیگر، بله، پیامبران ممکن است همیشه از کلمه عهد، استفاده نکنند، اما از زبان عهدی استفاده می‌کنند. بنابراین با استفاده از اصطلاحات عهدی، رویکرد *berit* غیرمستقیم‌تری به عملکرد عهد خواهید داشت. دوم، الگوی ادبی عهد که ما آن را در پایان فصل ۳ با دادخواست عهد دیدیم. و مورد سوم، استفاده از نفرین‌های عهد است.

اولین مورد در مورد تحلیل اصطلاحات عهد، در یادداشت‌های شما نقل قولی دارم که در فصل . اصطلاحات عهد از *کلمه* «یَدَع» (دانشتن) استفاده می‌کند. نسخه جدید انجیل می‌گوید: «من فقط تو را برگزیده‌ام» (به متن ۳:۲ عبری نگاه کنید. این را نمی‌گوید. می‌گوید: «من فقط تو را شناختم» [این یَدَع] دانشتن [است]. من فقط شما را از تمام قبایل زمین شناختم؛ بنابراین شما را مجازات خواهم کرد» [این به چه معناست؟ چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟] «من فقط شما را شناختم» [آیا خداوند نمی‌دانست که غیر از اسرائیل، قوم دیگری روی زمین وجود دارد؟ و چرا نتیجه گیری «من فقط شما را شناختم» ، پس شما را مجازات خواهم کرد؟] دانشتن چه ارتباطی با مجازات کردن دارد؟ بنابراین چند نظر در مورد یَدَع. این اصطلاح طیف وسیعی از معانی را از «فهمیدن [تا] رابطه جنسی» دارد. در مورد خواسته‌های خدا یا وقتی یهوه می‌گوید «او اسرائیل را می‌شناسد» [چه معنایی دارد؟ دانشتن می‌تواند هر دو جهت را داشته باشد. اما این همان چیزی است که در عاموس ۳:۲ آمده است]: «من فقط شما را شناختم... بنابراین شما را مجازات خواهم کرد» [به چه معنا درست است که یهوه فقط اسرائیل را شناخته است و چرا در عاموس ۳:۲ آمده است؟ بنابراین یک ارتباط منطقی بین دانش خدا از اسرائیل و عذاب آنها وجود دارد. مواجهه هستیم که از اصطلاحات روابط بین‌الملل وام گرفته «know» روشن شده است که در اینجا با کاربردی از شده است. هافمون مقاله‌ای در مورد «یَدَع» دارد. او می‌گوید که پادشاهان خاور نزدیک در متون هیتی و اکدی از «یَدَع» [به معنای] دانشتن «برای تشخیص یک رعیت مشروع استفاده می‌کنند. به صفحه ۴۹ از نقل قول‌های خود در ذیل هربرت هافمون نگاه کنید. او می‌گوید: «واضح‌ترین کاربرد فنی» دانشتن «در اشاره به به رسمیت شناختن قانونی متقابل از سوی ارباب و رعیت است» [در آسیای صغیر، رعایا قول می‌دادند که فقط پادشاه بزرگ را بشناسند. علاوه بر این، «ممکن است ارباب دیگری را شناسید» و در معاهدات، ارباب هیتی به رعایا اطمینان می‌دهد که در صورت شورش علیه رعیت، «خورشید فقط شما را خواهد شناخت» [بنابراین] دانشتن «در آنجا به معنای به رسمیت شناختن فرد به عنوان ارباب یا رعیت مشروع است. زمینه، یک معاهده یا پیمان است

اما هافمون در ادامه می‌گوید: «"دانشتن" همچنین به عنوان یک اصطلاح فنی برای به رسمیت شناختن مفاد معاهده به عنوان الزام‌آور استفاده می‌شود» [آنها مقررات را فهرست می‌کردند و می‌گفتند]: شما اینها را می‌دانید» [اکنون با آن پیشینه، سخنان عاموس دیگر مرموز نیست. این واژگان برای روابط بین‌الملل آشنا است. یهوه فقط اسرائیل را به عنوان بنده مشروع خود، رعیت خود به رسمیت شناخته بود. از آنجایی که این نوع پیمان شامل تعهداتی بود و رعیت آنها را انجام نداده بود، «بنابراین من شما را به خاطر تمام گناهانتان مجازات خواهم کرد» [برخی از شما در مقالات خود متوجه شده‌اید که این اصطلاح] دانشتن «بین خداوند و اسرائیل در چندین جا آمده است. به هوشع ۴:۱۳-۶ نگاه کنید. شما آن را از جهت دیگر دریافت می‌کنید» [اما من خداوند، خدای تو هستم که تو را از مصر بیرون آوردم. تو، «ترجمه جدید می‌گوید، «تصدیق خواهی کرد»، اما این «یَدَع» است،

هیچ خدایی جز من، هیچ نجات‌دهنده‌ای جز من. من در بیابان، در سرزمین گرمای سوزان، برای تو اهمیت قائل « بودم ». این هم «بَدَع» است، «برای تو در بیابان اهمیت قائل بودم. وقتی به آنها غذا دادم، سیر شدند؛ وقتی سیر شدند، مغرور شدند؛ سپس مرا فراموش کردند. پس من مانند شیر بر آنها خواهم آمد».

ارمیا در ارمیا ۲۴:۷ به شیوه‌ای مشابه صحبت می‌کند: «به ایشان دلی خواهم داد تا مرا بشناسند، که من یهوه هستم. ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود، زیرا با تمامی دل به سوی من باز خواهند گشت». اینکه این نوع دانش ارتباط نزدیکی با رفتار مردم دارد، در متن دیگری، در ارمیا ۲۲:۱۵، که در آن می‌خوانید، مشهود است، و این از شلوم، پسر یوشیا، است: «او می‌گوید: من برای خود کاخی بزرگ با اتاق‌های بزرگ خواهم ساخت ...! آیا داشتن سرو بیشتر و بیشتر، تو را پادشاه می‌کند؟ آیا پدرت غذا و نوشیدنی نداشت؟ او آنچه را که درست و عادلانه بود انجام داد، بنابراین همه چیز با او خوب پیش رفت. او از فقرا و نیازمندان دفاع کرد، و بنابراین همه چیز خوب پیش رفت. آیا این به معنای شناختن من نیست؟ خداوند می‌گوید: «ما همچنین ارتباطی بین اصطلاحات نبوی مرتبط با روابط پیمان می‌بینیم. اگرچه بریت اغلب استفاده نمی‌شود، اما مجموعه ایده‌های مرتبط با پیمان وجود دارد. از گزیده‌های طولانی از نوشته‌ی جی. ای. تامپسون، وژگان عهد و پیمان، بخشی از زبان عهد و پیمان را بیرون می‌کشد که ممکن است با نگاه کردن به کلمات متوجه آن نشوید. او می‌گوید به طور کلی، هم در عهد عتیق و هم در معاهدات خاور نزدیک، طرفین از یک سو به عنوان «پادشاه» یا «ارباب» و از سوی دیگر به عنوان «بنده» توصیف می‌شدند. شروط پیمان به عنوان «کلمات» یا «احکام» شناخته می‌شدند. همه پیمان‌ها و میثاق‌ها «شاهدانی» برای «سوگند»ی که خورده می‌شد، داشتند. افعال «حکم کردن»، «دوست داشتن»، «خدمت کردن»، «برکت دادن»، «نفرین کردن»، «اطاعت کردن»، «سوگند خوردن»، «دعوت کردن»، «به عنوان شاهد» و افعال دیگر، همه متعلق به همان «سند عمومی» هستند، یعنی به جامعه ارباب-رعیتی که باعث پیدایش پیمان‌های خاور نزدیک شد و استعاره‌ای پر معنا برای بیان پیمان فراهم کرد.» و «باد» در آنجا گنجانده شده است.

دوم، الگوی ادبی پیمان است که قبلاً به آن پرداختیم. دسته سوم، استفاده از الگوی ادبی: نفرین‌های پیمانی « نفرین‌های عهد است. هیلرز خاطر نشان می‌کند: «زیرا بارها و بارها می‌بینیم که پیامبران، پیشگویی‌های خود در مورد مصیبت را با عباراتی بیان می‌کنند که یادآور نفرین‌های مرتبط با معاهدات است»، مشابه لایوان ۲۶ و تشبیه که «زیرا فهرستی طولانی از نفرین‌های مرتبط با عهد با یهوه است - می‌گوید چه اتفاقی خواهد افتاد، اگر ۲۸، فرایض مرا رد کنید و از قوانین من بیزار باشید تا تمام فرامین مرا انجام ندهید و در نتیجه عهد مرا بشکنید»». شناخته می‌شوند. این نفرین‌های عهد است. این موضوع در عاموس ۳:۱۰ اهمیت پیدا می‌کند، جایی که این موضوع برای ارزیابی پیامبران مهم می‌شود. بسیاری از تحقیقات مدرن در مورد پیامبران به روانشناسی نبوی اختصاص داده شده است که سعی در به تصویر کشیدن حالات ذهنی آنها دارد. آنها نگران توحید و زندگی

درستکارانه بودند. اما دیدگاهی که ما در نظر گرفته‌ایم، پیامبران را افرادی می‌داند که از عبارات کلیدی تاریخ و عهد اسرائیل به جای آگاهی خود استفاده کرده‌اند. پیشگویی‌های آنها صرفاً نفرین‌های عهد است. آنها به سادگی به پایه‌های خود در تثنیه ۲۸ و لاویان ۲۶ باز می‌گردند.

ب. عاموس ۴

حالا بیایید به فصل ۴ برویم. این نمونه‌ای از همین موضوع است. می‌بینید که در ۴:۶-۱۲ عاموس می‌گوید:

من در هر شهر شکم‌هایتان را خالی و در هر روستا نان را کمیاب کردم، اما شما به سوی من بازنگشتید. «این» تکرار «اما شما به سوی من بازنگشتید» پنج بار تکرار شده است. در ۶ب، ۸ب آمده است: «مردم برای آب از شهری به شهر دیگر تلو تلو می‌خوردند، اما به اندازه کافی آب نمی‌نوشیدند، اما شما به سوی من بازنگشتید.» ۹ب و ۱۰ب آمده است: «من بلاهایی را در میان شما فرستادم، همانطور که به مصر فرستادم، جوانان شما را با شمشیر کشتم... اما شما به سوی من بازنگشتید.» (در ۱۱ب آمده است): «اما شما به سوی من بازنگشتید.» و سپس در ۱۲ آمده است: «بنابراین، این همان کاری است که من با شما خواهم کرد.» خدا هشدارهای زیادی را به شکل نفرین‌های عهد فرستاده بود، اما این هشدارها به گوش ناشنوا افتاده بودند.

به تثنیه ۲۸ و لاویان ۲۶ بروید و فهرست آیات را در طرح کلی خود یادداشت کنید. خواهید دید که در آیه ۶ از عاموس ۴ قحطی آمده است. به تثنیه ۱۷:۲۸ و ۱۸ برگردید، جایی که می‌خوانیم: «سبب و ظرف خمیر شما ملعون خواهد بود. میوه رحم شما و محصولات زمین شما و گوساله‌های گله شما و بره‌های گله شما ملعون خواهد بود.» به عاموس ۴:۷، ۸ برگردید - شما خشکسالی دارید. «من بر یک شهر باران فرستادم، اما آن را از شهر دیگر دریغ کردم. یک مزرعه باران داشت؛ دیگری نداشت و خشک شد.» تثنیه ۲۳:۲۸، «آسمان بالای سر شما برنزی و زمین زیر پای شما آهنی خواهد شد. خداوند باران کشور شما را به غبار تبدیل خواهد کرد.» عاموس کپک، «من باغ‌ها و تاکستان‌های شما را با آفت و کپک زدم.» تثنیه ۲۲:۲۸، «خداوند شما را به بیماری ۴:۹ا، کشنده، تب و التهاب، گرمای سوزان و خشکسالی، آفت و کپک مبتلا خواهد کرد.» عاموس ۴:۹ب، ملخ‌ها، ملخ‌ها درختان انجیر و زیتون شما را خوردند.» تثنیه ۳۸:۲۸ و ۴۲، «بذر زیادی در مزرعه خواهید کاشت، اما محصول کمی برداشت خواهید کرد، زیرا ملخ‌ها آن را خواهند خورد.» من اینها را فرستاده‌ام، اما باعث نشده است.» «که شما توبه کنید. در پایان آن در آیه ۱۱، «اما شما به سوی من بازگشت نکرده‌اید»

سپس آیه ۱۲، «بنابراین، ای اسرائیل، با تو چنین خواهم کرد.» او چه خواهد کرد؟ نمی‌گوید. و چون با تو چنین خواهم کرد، ای اسرائیل، برای ملاقات با خدای خود آماده شو.» این یک عبارت ناقص است. برخی می‌گویند افعال گم شده‌اند و در ۱۴:۳ب آمده است: «مذبح‌های بیت‌ئیل را ویران خواهم کرد، شاخ‌های مذبح بریده خواهند شد.» بنابراین شما می‌گفتید: «بنابراین، ای اسرائیل، این کاری است که با تو خواهم کرد.» (و سپس اضافه می‌کردید: «مذبح‌ها را ویران خواهم کرد.»...) اما این کاملاً خودسرانه است - می‌توانست از هر جایی کشیده شده

باشد. این قابل درک است. شما تمام این گناهان را انجام می‌دهید و «با این حال به سوی من بازنگشته‌اید.» مفهوم آن این است که بدتر از آنچه قبلاً اتفاق افتاده است، خواهد بود. به نظر من آنچه اسرائیل می‌تواند در این اوج انتظار داشته باشد، لعنت‌های عهد است. فکر می‌کنم این همان چیزی است که در اینجا تلویحاً به آن اشاره شده و بدون گفتن آن قابل درک است. به لاویان ۲۶:۲۷ و به دنبال آن برگردید: «اگر با وجود این، «یعنی این لعنت‌های عهد به دلیل نافرمانی شما بر شما وارد شود، «به من گوش ندهید، شما را هفت برابر بیشتر به خاطر گناهانتان مجازات خواهم کرد.» آیه ۳۱: «من شهرهای شما را به ویرانه تبدیل خواهم کرد.» آیه ۳۲: «من زمین را ویران خواهم کرد.» آیه ۳۳: «شما را در میان ملت‌ها پراکنده خواهم کرد و شمشیر خود را کشیده، شما را تعقیب خواهم کرد. سرزمین شما ویران و شهرهای شما ویران خواهد شد.» بنابراین، اگر هنوز به سوی خدا باز نگردید، این همان چیزی است که در پایان پیام نبوی می‌آید. بنابراین به نظر من این قابل درک است. این کاری است که من انجام خواهم داد و لعنت‌های عهد را بر کسانی که از توبه امتناع می‌کنند و کسانی که «به سوی من باز نمی‌گردند» اجرا خواهم کرد.

دفعه بعد به تفصیل به نتیجه‌گیری عاموس ۹:۱۱-۱۵ و نقل قول آن در اعمال رسولان ۱۵ خواهیم پرداخت.

رونویسی توسط تد هیلدبرانت  
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت  
ویرایش نهایی توسط کیتی الز  
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت